



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق بشر

موضوع:

معیارهای تحدید حقوق و آزادی‌های بشر

استاد راهنما: دکتر محمد راسخ

استاد مشاور: دکتر ناصرعلی منصوریان

دانشجو: یلدا خسروی

شهریور 1390

(نیمسال دوم سال تحصیلی 90-1389)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به مادرم که
آنکه هستم از اوست.

تقدیم به همسرم که
بودن با او معنا گرفت.

تشکر و قدردانی

نگارنده بر خود می‌داند از زحمات بی‌دریغ و راهنمایی‌های ارزشمند استاد راهنمای گرامی جناب آقای دکتر راسخ در راستای تحقق پژوهش حاضر تشکر و قدردانی نماید. همچنین از سرکار خانم فاطمه قهرودیان، مسئول محترم تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بابت الطاف همیشگی و بی‌منتشان در طول تمام سال‌های تحصیل در دانشگاه علامه طباطبایی کمال سپاسگزاری را دارم.

چکیده

حقوق بشر به عنوان یکی از مسائل و دغدغه‌های مهم جهانی امری است که باید حوزه و چهارچوبی دقیق و مشخص داشته باشد تا از ابهام و ایهام در مرحله‌ی اعمال آن جلوگیری شود. تعیین دقیق این حوزه با تبیین مفاهیم تحدیدکننده‌ی حقوق بشر امکان‌پذیر است لذا باید این مفاهیم مشخص شوند و معیارهای آنها تعیین گردد. در یک نگاه کلی حق در دو سطح درونی و بیرونی مورد تحدید قرار می‌گیرد؛ سطح درونی به واقع هم‌نشینی حق‌ها با یکدیگر است که منجر به تحدید می‌گردد و سطح بیرونی برخورد حق با اقتضائات حداکثری عدالت یا به عبارتی مصلحت عمومی است که منتهی به محدودیت می‌شود. پژوهش حاضر درصدد است ضمن تبیین سطح درونی، عدم کفایت آن را به عنوان معیار تحدید مشخص نماید و معیارهای لازم برای سطح بیرونی تحدید حقوق و آزادی‌های بشر را به دست دهد.

واژه‌های کلیدی: حق، حقوق بشر، تحدید، تحدید درونی، تحدید بیرونی، مصلحت عمومی.

فهرست اجمالی مطالب

شماره صفحه	عنوان مطلب
1	مقدمه
8	بخش اول: کلیات و تعریف مفاهیم
9	گفتار اول: مفهوم «حق»
22	گفتار دوم: مفهوم بشر
27	گفتار سوم: تحدید درونی و بیرونی
29	بخش دوم: تحدید درونی و دلایل عدم کفایت آن جهت تحدید حقوق و آزادی‌ها
30	گفتار اول: تحدید درونی
45	گفتار دوم: دلایل عدم کفایت تحدید درونی
62	بخش سوم: تحدید بیرونی و معیارهای آن
63	گفتار اول: مفهوم مصلحت عمومی
69	گفتار دوم: نظریه‌های مصلحت عمومی
78	گفتار سوم: تحدید بیرونی در اسناد حقوق بشر
91	گفتار چهارم: ارکان مصداقی مصلحت عمومی
99	نتیجه گیری
104	فهرست منابع و مآخذ

فهرست تفصیلی مطالب

شماره صفحه	عنوان مطلب
1	مقدمه
8	بخش اول: کلیات و تعریف مفاهیم
9	گفتار اول: مفهوم «حق»
10	بند اول: نظریه‌ی حق
15	بند دوم: معنای حق
17	بند سوم: محتوای حق
22	گفتار دوم: مفهوم بشر
27	گفتار سوم: تحدید درونی و بیرونی
	بخش دوم: تحدید درونی و دلایل عدم کفایت آن جهت تحدید
29	حقوق و آزادی‌ها
30	گفتار اول: تحدید درونی
32	بند اول: تراحم نظری
33	بند دوم: تراحم عملی

- 39 بند سوم: ارزیابی رویکردهای تحدید درونی
- 45 گفتار دوم: دلایل عدم کفایت تحدید درونی
- 47 بند اول: نظریه‌ی تبیین کلیه ادعاهای بشری در قالب حق
- 54 بند دوم: نقد و بررسی نظریه‌ی تبیین کلیه ادعاهای بشری در قالب حق
- 55 أ. ماهیت حق
- 56 ب. مفاهیم امنیت و معیشت
- 59 ت. تکلیف در برابر حقوق
- 62 بخش سوم: تحدید بیرونی و معیارهای آن
- 63 گفتار اول: مفهوم مصلحت عمومی
- 65 بند اول: مصلحت عمومی، مفهومی ناممکن (ابزار سوءاستفاده)
- 67 بند دوم: مصلحت عمومی، مفهومی ممکن
- 67 بند سوم: تحلیل و نقد دو دیدگاه پیرامون مصلحت عمومی
- 69 گفتار دوم: نظریه‌های مصلحت عمومی
- 70 بند اول: نظریه‌ی اکثریتی
- 73 بند دوم: نظریه‌ی حکومتی
- 74 بند سوم: نظریه‌ی مجموعی

78 گفتار سوم: تحدید بیرونی در اسناد حقوق بشر

79 بند اول: اسناد جهانی

79 أ. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (1948)

79 ب. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (1966)

81 ت. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (1966)

81 بند دوم: اسناد منطقه‌ای

أ. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

81 (1950، رم)

83 ب. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (1969، سان خوزه)

84 ت. منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (1981، نایروبی)

84 بند سوم: ضوابط قانونگذاری پیرامون ارکان سازنده‌ی مصلحت عمومی

85 1. مقرر شده به وسیله قانون

85 1.1. شفاف و روشن بودن

86 1.2. قابل دسترس بودن

86 1.3. قابل پیش‌بینی بودن

87 2. پیگیری هدف مشروع

87 3. ضروری در جامعه دموکراتیک

88 بند چهارم: ارزیابی محدودیت‌های مقرر در اسناد حقوق بشری

91 گفتار چهارم: ارکان مصداقی مصلحت عمومی

92	بند اول: نظم
92	بند دوم: امنیت
93	أ. امنیت جان افراد
93	ب. امنیت متصرفات مادی افراد
94	ت. امنیت حیثیت افراد
94	ث. امنیت ملی
95	بند سوم: حداقل رفاه
96	أ. حداقل خوراک
96	ب. حداقل پوشاک
96	ت. حداقل سرپناه
96	بند چهارم: حداقل بهداشت
97	بند پنجم: حداقل آموزش
99	نتیجه گیری
104	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه:

حقوق بشر در جهان معاصر یکی از دغدغه‌های مهم افراد و حکومت‌ها است. تدوین و به رسمیت شناخته شدن این حقوق بیش از هر چیز ناشی از خشونت‌های عریانی بود که در دو جنگ جهانی اعمال شد. این اعمال غیرانسانی که به نوعی از مرکز تمدن، یعنی اروپا، سربرآورد کلیه دولت‌ها را بر آن داشت که به طریقی بر سر اصولی مشترک به توافق برسند تا نسل‌های آینده را از آفت جنگ در امان نگه دارند.

این توافق میان گروه‌های مختلف انسانی متعلق به تمدن‌ها، باورها و زندگی اقتصادی و اجتماعی متفاوت، چنانچه هر یک می‌خواستند دیدگاه خود را به کرسی بنشانند، تصورات پذیر بود ولی تجاوز به

کرامت انسانی، که موضوع جنگ‌های جهانی بود، تحقق این آرمان‌گرایی عملی را ممکن و حتی ضروری ساخت.¹

لذا می‌توان گفت حقوق بشرِ تدوین یافته بعد از جنگ جهانی دوم پیش از هر چیز ناشی از نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر و منتج شدن آن به اقدامات وحشیانه‌ای که وجدان بشر را برآشفته² بود. اما نباید نتیجه گرفت که حقوق بشر بنیان نظری ندارد و صرفاً راهکاری عملی است که نمی‌توان به لحاظ نظری آن را توجیه نمود. مفهوم حق بدون دلیل و استدلال در مقابل انکار و سوءاستفاده آسیب‌پذیر است و از مقبولیت آن کاسته می‌شود.

تلاش در راه تحقق حقوق بشر قطعاً به واسطه‌ی عشق و شور و هیجان تحریک می‌شود ولی در عین حال از استدلال نیز تاثیر می‌پذیرد. روشن شدن مبنای نظری کمک می‌کند تا ماهیت حق، چهارچوب حق، میزان حمایت قابل حصول، محدودیت‌ها، معیارهای محدودیت‌ها، اولویت‌ها و استثنائات مشخص شوند که در اعمال و چگونگی آن راهگشا هستند.³

به محض صحبت از حقوق این پرسش به وجود می‌آید که دامنه‌ی این حقوق تا کجاست؟ نمی‌توان از حق صحبت نمود ولی حوزه‌ی اقتدار آن را تعیین نکرد. لذا با این فرض که مصادیق اصلی این حقوق محقق شود، پرسش پیرامون محدوده‌ی آنها باقی می‌ماند؛ در خصوص حقوق و آزادی‌ها همواره این دغدغه وجود دارد که دامنه‌ی آنها تا کجاست و آیا باید محدود شوند یا خیر و چنانچه معتقد به لزوم

¹. گلن جانسون، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و تاریخچه‌ی آن، ترجمه‌ی مرحوم محمدجعفر پوینده، چاپ چهارم، نشر نی، 1378، تهران، ص 88.

². دیباچه اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر.

³. حسین شریفی طرازکوهی، درآمدی بر بنیان‌های نظری حقوق بشر، نامه‌ی مفید، شماره 46، صص 9 و 10.

تحدید این حقوق و آزادی‌ها باشیم، برای محدود نمودن آنها چه معیارهایی وجود دارد و یا باید وجود داشته باشد.

در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان، همیشه دلایل و بهانه‌های گوناگون برای نقض ادعاهای برحق افراد بیان شده است که البته از ظاهری بسیار جذاب برخوردار بوده‌اند، همچون رضایت الهی، دین برتر، ایدئولوژی پیشرو، دولت حق، مصلحت/ اخلاق/ نظم عمومی، امنیت ملی و کیان ملت⁴. مفاهیمی این چنین کلی را می‌توان با دامنه‌ی وسیعی مورد تفسیر قرار داد و مصادیق آن را مشخص نمود تا جایی که مجال برای حقوق و آزادی‌ها باقی نماند. لذا حتی اگر قائل به محدودسازی حق باشیم، باید معیارهای مشخص و واضحی در این رابطه وجود داشته باشد یا وضع گردد.

بعد از جنگ جهانی دوم اشتیاق و تعجیل برای تصویب اسناد پیرامون موضوع حقوق و آزادی‌های افراد مانع از آن شد که محدودیت‌ها به صورت دقیق و واضح تبیین شوند. از طرفی نباید فراموش کرد که تدوین کنندگان و تصویب کنندگان این اسناد نمایندگان دولت‌ها بوده‌اند و حقوق بشر قبل از هر چیز در برابر حاکمیت ملی قرار می‌گرفت. بالتبع دولت‌ها، در عین حال که از بیم تکرار فاجعه دو جنگ جهانی درصدد تدوین اسنادی این چنینی بودند، نمی‌خواستند یکباره قدرت خود را تسلیم مفهوم از راه رسیده‌ی حقوق بشر نمایند. در نتیجه قید و بندهایی کلی و مبهم بر اسناد مصوب خود افزودند تا در مواقع ضروری و هنگام برخورد منافع خودشان با اعمال حقوق بشر راه چاره‌ای برای فرار از مسئولیت‌هایشان وجود داشته باشد.

⁴. محمد، راسخ، نظریه‌ی حق، فصلنامه باروری و ناباروری، سال 10، شماره 4، 1388، صص 303 و 304.

می‌توان گفت دولت‌ها بعد از جنگ جهانی دوم در واقع میان دو خواسته‌ی متعارض قرار داشتند: از یک طرف مسئله‌ی حاکمیت ملی دولت‌ها مطرح بود که از دوران صلح وستفالی تبدیل به امری جاافتاده در صحنه بین‌المللی شده بود و کاستن از دامنه‌ی آن آخرین خواسته‌ی دولت‌ها بود و از طرف دیگر با این نگاه که جنگ جهانی بعدی می‌تواند پایان بشریت باشد و مجالی برای اعمال حاکمیت باقی نماند، سعی در مدون ساختن ارزش‌های بشری در قالب مفهومی قدرتمند به نام حق داشتند.

این تعارض در نهایت منجر به تدوین اسنادی شد که به صورت مبهم و کلی حوزه‌ی حق‌ها و معیارهای تحدید آن را مشخص می‌کنند. این کلیت در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، که فاقد جنبه‌ی الزام-آور است، بیشتر نمود یافته است. هرچند اسناد الزام‌آوری که پیرو اعلامیه تدوین و تصویب شدند، همچون میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نیز پیرامون معیارهای محدودیت صرفاً به احصاء اکتفا نموده و به جزئیات نپرداخته‌اند.

در حقیقت دولت‌ها با افزودن چنین قیدهایی حقوق بشر را از تقابل با حاکمیت خارج کردند و آن را تبدیل به مفهومی نمودند که تحت سیطره‌ی حاکمیت قرار گرفت.

با توجه به اوصاف فوق نمی‌توان از مسأله‌ی محدودیت‌های حقوق و آزادی‌ها به سادگی گذشت. چنانچه مفاهیم کلی و مبهم برای تعیین این محدودیت‌ها مقرر شود، بیم آن می‌رود که در مقام تبیین مصداق برای این مفاهیم کلی و مبهم جایی برای اعمال حق باقی نماند و دولت‌ها چنین ادعا کنند که مصداق تعریف شده برای محدودیت‌ها به راحتی ذیل عنوان‌های مقرر در اسناد حقوق بشری می‌گنجد.

به نظر می‌رسد این نقص اسناد باید با نظریه‌پردازی پیرامون مفهوم حق و معیارهای تحدید کننده-

ی آن جبران شود.

پیرامون مساله تحدید حقوق می‌توان در دو سطح بحث کرد:

- در سطح اول بحث «تحدید درونی» حقوق و آزادی‌ها مطرح است. در این مرحله هم‌نشینی حقوق و آزادی‌ها اقتضاء می‌کند که به یکدیگر محدود شوند. این محدودسازی در دو سطح نظری و عملی صورت می‌پذیرد.

- در سطح دوم بحث از «تحدید بیرونی» است؛ در اینجا حقوق بشر به عنوان مجموعه‌ی ادعاهای فردی باید با ادعاهای جمعی هم‌نشین شود. اینکه این تحدید چگونه و تا کجا و با چه معیاری باید صورت بگیرد، موضوع بحث سطح دوم است.

پژوهش حاضر درصدد است که اولاً سطوح مختلف تحدید حقوق -تحدید درونی و تحدید بیرونی- را مشخص کند و مورد بررسی قرار دهد، ثانیاً ضمن تبیین حوزه‌هایی که منجر به «تحدید بیرونی» می‌شوند، عدم کفایت «تحدید درونی» را به عنوان یک سطح محدودکننده مشخص نماید، ثالثاً «معیارهای تحدید بیرونی» را تبیین کند. لذا پرسش‌های این پژوهش و پاسخ‌های آن در قالب فرضیه به شرح ذیل هستند:

پرسش اول: آیا هم‌نشینی حق‌ها، که ناگزیر محدودیت هر یک از آنها را به دنبال می‌آورد، برای تحدید حقوق کافی است یا اینکه علاوه بر تحدید درونی حقوق و آزادی‌ها، تحدید بیرونی نیز لازم است؟

فرضیه‌ی اول: تحدید درونی حقوق برای تحدید حقوق و آزادی‌های بشر [ادعاهای فردی] کافی نیست و تحدید بیرونی توسط اموری که قابل تقلیل به حق نیستند [ادعاهای جمعی] صورت می‌گیرد.

پرسش دوم: معیارهای تحدید بیرونی حقوق و آزادی‌های بشر چیست؟

فرضیه دوم: مهم‌ترین معیارهای تحدید بیرونی «مصلحت عمومی» و «قاعده لاضرر» است.

هدف از طرح این پرسش‌ها و تلاش برای یافتن پاسخی مناسب اولاً مشخص نمودن حوزه‌های تحدیدکننده‌ی حقوق و آزادی‌های بشری و ثانیاً به دست دادن معیارهای واضح و روشن جهت تحدید حقوق و آزادی‌های بشر و اجتناب از ابهام و ایهام می‌باشد.

محور اصلی این پژوهش تحدید بیرونی و تلاش برای به دست دادن معیار یا معیارهایی در این سطح است.

روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و همچنین با استفاده از پایگاه‌های الکترونیکی می‌باشد.

در رابطه با سابقه‌ی پژوهش باید گفت پیرامون این موضوع در دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی و نیز حوزه‌ی عمومی پژوهش‌های متعددی در باب حق‌های بشر انجام یافته است. در این میان اندک- شماری منحصرأً به مسئله‌ی محدودیت‌های این حقوق پرداخته‌اند، لیکن هیچ‌یک از آنها تاکنون به مسئله‌ی تعیین مرزها و حدود حق از زاویه‌ی نظریه‌ی حق و اقتضائات عدالت پرداخته است. مقاله «محدودیت‌های اعمال حقوق بشر در حقوق داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی»⁵ نوشته‌ی احمد مرکزالمیری از جمله‌ی این پژوهش‌هاست که صرفاً محدودیت‌های احصاء شده در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی را تبیین نموده و بیشتر به مسائل شکلی پرداخته است.

⁵. احمد مرکزالمیری، محدودیت‌های اعمال حقوق بشر در حقوق داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره‌ی چهارم، زمستان 1383.

پژوهش حاضر متشکل از سه بخش است. در بخش اول کلیات و تعریف مفاهیم بیان می‌گردند تا مبنای نظری کار مشخص شود. در این بخش مفاهیم حق، بشر و تحدید به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند تا حوزه‌ی مفهومی و مصداقی هر یک روشن گردد. در بخش دوم، برای هموار نمودن هدف پژوهش، ابتدا به تحدید درونی می‌پردازیم و سطوح مختلف آن را بررسی می‌کنیم سپس دلایل عدم کفایت آن به عنوان معیار تحدید را بیان می‌کنیم تا بتوانیم به محور اصلی پژوهش، یعنی تحدید بیرونی، برسیم. در بخش سوم منحصراً به تحدید بیرونی می‌پردازیم. ابتدا تعریف این مفهوم و نظریات پیرامون آن را تبیین و تحلیل می‌کنیم، سپس با نگاهی کلی جلوه‌ی تحدید بیرونی در اسناد حقوق بشری، اعم از جهانی و منطقه‌ای، را مورد بررسی قرار می‌دهیم و معیارهای آن را تحلیل می‌کنیم. در آخر سعی بر آن خواهد بود که چهارچوب و معیار لازم برای این سطح از تحدید به دست آید تا هرچه بیشتر این مفهوم ضابطه‌مند شود. در نهایت ضمن جمع‌بندی مطالب سه بخش فوق، به معیارهای تحدید حقوق و آزادی‌های بشر به صورت کلی در قسمت نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

بخش اول

کلیات

و تعریف مفاهیم

بخش اول: کلیات و تعریف مفاهیم

پیش از ورود به بحث لازم است مشخص نماییم که منظور از «حق» و «بشر» در این پژوهش چیست؛ علی‌الخصوص پیرامون مفهوم، معنی و نظریات حق اختلاف نظر بسیار زیاد است⁶ لذا باید ابتدا تعاریفی از مفاهیم حق و بشر به دست بدهیم، سپس مراد از «تحدید» و اقسام آن را مشخص نماییم.

در ادامه ابتدا در گفتار اول به مفهوم حق می‌پردازیم و نظریات موجه ساز، مفهوم و محتوای آن را مورد مذاقه قرار می‌دهیم و در گفتار دوم مفهوم بشر را روشن می‌سازیم و اینکه مصادیق آن را چه کسانی تشکیل می‌دهند و در نهایت در گفتار سوم بحث تحدید و اقسام آن را تبیین می‌کنیم.

گفتار اول: مفهوم «حق»

نظریه‌ای که حق را توجیه می‌کند در تعیین مفهوم و محتوای آن نقش به‌سزایی دارد به همین جهت ابتدا در این گفتار در بند اول به مبنای نظری حق، که پژوهش حاضر بر پایه آن نظریه استوار شده است، می‌پردازیم؛ در بند دوم مفهوم حق را تبیین می‌کنیم و در نهایت در بند سوم به محتوای حق می‌پردازیم.

⁶. محمد، راسخ، نظریه‌ی حق، ص 300.